

داستان اصحاب اُخدود و سختی ایمان داشتن

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره‌های قرآن کریم به سوره مبارک «برج» (برج‌ها) می‌رسیم که خداوند متعال در آیات یک تا ۹ آن می‌فرماید: «سوگند به آسمان که دارای برج‌های بسیار است؛ به روز موعود سوگند! به شاهد و مشهود سوگند! مرگ بر صاحبان گودال! همان آتش برهیزم؛ آن‌گاه که آنان، بالای آن نشسته بودند و تماشاگر شکنجه‌ای بودند که به مؤمنان روا می‌داشتند. آنان هیچ ایرادی به مؤمنان نداشتند، جز آنکه به خدای عزیز و حمید، ایمان آورده بودند، آن‌که حکومت آسمان‌ها و زمین برای اوست و بر هر چیز گواه است.»

این سوره ۲۲ آیه دارد و در مکه نازل شده است و مراد از نام آن، ممکن است ستارگان درخشان باشند که همچون برج بلند در آسمان می‌درخشند. ابتدای سوره با بیان جنایات گروهی شکنجه‌گر آغاز می‌شود که گودالی عمیق (اُخدود) را حفر می‌کردند و آتشی عظیم در آن می‌افروختند و مؤمنان را به سوزاندن در آتش، تهدید می‌کردند و هرکے را دست از ایمان برنمی‌داشت، در آتش می‌افکندند. خداوند نیز آنان را به آتش سخت دوزخ، وعده می‌دهد که با آتش دنیا مقایسه شدنی نیست و بدین وسیله، مؤمنان را دلداری می‌دهد و آنان را به مقاومت در برابر ستمگران دعوت می‌کند. اصحاب اُخدود امروز حضور ندارند، چنان‌که ابولهب امروز نیست اما روحیه تنفر از آنان باید همچنان زنده باشد و تفکر ظلم ستیزی، همیشه ارزشمند است. نکته مهم این است که پایداری بر ایمان، ممکن است تاوان داشته باشد و از نظر مستکبران عالم، ایمان بزرگ‌ترین جرم است و آن‌ها جز با دست برداشتن از ایمان، به چیز دیگری راضی نمی‌شوند اما ستمگرانی که شاهد سختی کشیدن مؤمنان هستند، بدانند که خدا نیز شاهد بر آنان و کار آن هاست، حامی مؤمنان است و قدرت انتقام دارد.

مشاوره

چگونه خانواده را از ناامیدی دور کنیم؟

علیرضا وکیلی| وقتی درآمد خانواده کاهش می‌یابد و هزینه‌های زندگی زیاد می‌شود، نگرانی مالی ممکن است به اختلاف‌های خانوادگی، دلخوری میان همسران و اضطراب درباره آینده فرزندان تبدیل شود. در چنین روزهایی، خانواده بیش از همیشه به امید، همدلی و تصمیم‌های درست نیاز دارد. قرآن کریم برای گشایش روزی، انسان را به استغفار و تقوا دعوت می‌کند؛ آموزه‌هایی که در کنار تلاش و تدبیر، می‌توانند چراغ راه خانواده در روزهای سخت باشند.

استغفار فراتر از ذکر زبانی؛ حضرت نوح^(ع) به قوم خود فرمود: «قُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُذْهِبُ الْغَيْمَ وَيُمْدِدُكُمْ بِالْأَمْوَالِ وَتَبِينَ: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است؛ تا باران فراوان بر شما بفرستد و شما را با اموال و فرزندان یاری کند.» (نوح: ۱۲ تا ۱۴). این آیات، استغفار را با برکت و افزایش نعمت، پیوند می‌دهند. اما استغفار فقط تکرار یک عبارت نیست؛ بازگشت از خطا و اصلاح رفتار نیز بخشی از آن است. اگر حقی از کسی بر گردن ماست، اگر در معامله‌ای انصاف را رعایت نکرده‌ایم یا در انجام وظیفه کوتاهی کرده‌ایم، باید برای جبران آن اقدام کنیم. زمانی ثابت برای استغفار در برنامه روزانه قرار دهیم و در کنار آن، رفتارهای خود را نیز بازبینی کنیم. از خود بیرسمیم آیا بدهی یا حقی را نادیده گرفته‌ایم؟ آیا در کسب و کار به صداقت پایبند بوده‌ایم؟ استغفار را به فرصتی برای اصلاح واقعی زندگی تبدیل کنیم.

تقوا؛ برهیز از راه‌های نادرست درآمد؛ خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ هرکے تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه بیرون رفت برای او قرار می‌دهد و از جایی که گمان نمی‌برد، روزی‌اش می‌دهد.» (طلاق: ۲ و ۳). تقوا در روزهای رونق، آسان‌تر به نظر می‌رسد؛ آزمون اصلی، زمانی است که درآمد کم شود و وسوسه راه‌های نادرست افزایش یابد. پنهان کردن عیب کالا، بدقولی در پرداخت دستمزد یا فریب مشتری، شاید در کوتاه‌مدت سودی به همراه داشته باشد، اما با اخلاق دینی سازگار نیست. هنگام تصمیم‌های مالی، حلال بودن درآمد و رعایت حقوق دیگران را معیار قرار دهیم. برای جبران رکود، به جای فریب و تخلف، کیفیت کار را بهبود ببخشیم و راه‌های تازه و سالم کسب درآمد را جست و جو کنیم. گشایش روزی در نگاه قرآن، مجوز انتظار منفعلانه نیست. استغفار و تقوا باید در کنار کوشش، تدبیر و مسئولیت‌پذیری قرار بگیرند. وعده الهی به گشایش، مایه امید است اما نباید آن را تضمینی برای ثروتمند شدن فوری یا برطرف شدن همه مشکلات مالی بدانیم.

سیره بزرگان

عالمی که در محراب عشق، جاودانه شد

علیپورا در تاریخ پرافتخار روحانیت شیعه، نام هایی می‌درخشند که با خلوص و خدمت بی‌ادعادر یادها ماندگار شده‌اند. آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی، چهارمین شهید محراب انقلاب اسلامی، از همین تبار است؛ عالمی که هشتاد سال زندگی خود را وقف علم، جهاد و خدمت به مردم کرد و سرانجام در محراب نماز، خوشن بر صفحات تاریخ این سرزمین نقش بست.

از همان سال‌های جوانی، پیوندی عمیق میان او و امام خمینی^(ع) شکل گرفت که تا پایان عمر ادامه یافت. امام در توصیف او فرمود: «هروقت آقای اشرفی اصفهانی را می‌بینم، به یاد خدامی افتم.» او در سال ۱۳۳۵، به توصیه آیت‌الله بروجرودی، برای نشر معارف اسلامی به کرمانشاه، هجرت و حوزه علمیه این شهر را احیاء کرد. اما حضورش در کرمانشاه، به تدریس و تبلیغ محدود نماند. آیت‌الله

اشرفی روحانی‌ای نبود که در حجره علم، محدود بماند؛ او باور داشت که عالم دین، باید در دل جامعه زندگی کند و از درد و رنج مردم آگاه باشد. در سال‌های مبارزه علیه رژیم پهلوی، بارها دستگیر و زندانی شد و پس از پیروزی انقلاب، به عنوان نماینده ولی فقیه و امام جمعه کرمانشاه منصوب شد. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های آیت‌الله اشرفی، تلاش خشک‌ناپذیر او برای وحدت میان شیعه و سنی بود. استاندار کرمانشاه، او را «مناذی، بنیان‌گذار و محور وحدت اقوام و مذاهب» در این استان، توصیف کرده است. ساده زیستی و مردم‌داری، از دیگر ویژگی‌های بارز او بود؛ همواره در کنار مردم بود و از نزدیک با آنان نشست و برخاست داشت. این عالم مجاهد حتی با وجود کهولت سن، در دوران دفاع مقدس، لباس رزم پوشید و در جبهه‌های نبرد حضور یافت.

سرانجام، ظهر جمعه ۲۳ مهر ۱۳۶۱، درحالی‌که مہیای اقامه نماز جمعه در مسجد جامع کرمانشاه بود، به دست یکی از عوامل سازمان منافقین با نارنجک هدف حمله قرار گرفت و به شهادت رسید و پیکر مطهرش در گلستان شهدای اصفهان به خاک سپرده شد. آیت‌الله اشرفی اصفهانی الگویی ماندگار از عالمی مردمی، مجاهد و وحدت‌آفرین است؛ میراثی که بازخوانی سیره او، یادآور نسبت اخلاق و مسئولیت در جامعه امروز ماست.

شکر

شماره ۲۳ بهار ۱۴۰۵
مهرماه ۱۳۸۵
شماره ۲۳۸

۱۴



معارف

بررسی ابعاد شخصیت بی‌نظیر زینب کبری^(س) در نگاه رهبر شهید انقلاب اسلامی

زن نگر، دست خدا در آستین!



حسین ابراهیمی| نگاه رهبر شهید انقلاب اسلامی به شخصیت بی‌نظیر حضرت زینب^(س)، یک نگاه تمدن‌ساز است؛ نگاهی که می‌خواهد زن را به جایگاه واقعی خود در تاریخ و اجتماع برساند؛ همان موضوعی که در اصل نگاه اسلام به زن و مرد وجود دارد. این نگاه می‌گوید زن در جامعه، نقشی دارد که مخصوص خود اوست و در حیطه مرد نیست و دیگر اینکه زن‌های بزرگی در تاریخ هستند که از مرد‌های زمان خود جلوتر بوده‌اند. به مناسبت ایام ولادت زینب کبری^(س) تلاش کرده‌ایم به جایگاه ویژه این بانوی بزرگ اسلام از منظر رهبر شهید انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، بپردازیم.

گزارش



علو مرتبه زن را اثبات کرد

در نگاه رهبر شهیدمان، رسالت تاریخی زینب کبری^(س) این بود که اهمیت جایگاه زن را در جامعه، پیش چشم تاریخ بگذارد. ایشان در این باره می‌فرمایند: «زینب کبری^(س) توانست به همه تاریخ و همه جهان، نشان بدهد ظرفیت روحی و عقلی عظیم جنس زن را، این خیلی مهم است. به کوری چشم آن کسانی که چه در آن زمان، چه در دوره ما، هرکدام به نحوی جنس زن را تحقیر می‌کردند و می‌کنند، زینب کبری^(س) توانست نشان بدهد علو مرتبه زن و عظمت قدرت روحی و عقلانی و معنوی زن را.» (۱۴۰۰/۰۹/۲۱)

در جای دیگری در تکمیل همین موضوع مهم فرموده‌اند: «این بزرگوار، زینب کبری^(س)، دو نکته را نشان داد: یک نکته اینکه زن می‌تواند اقیانوس عظیمی باشد از صبر و تحمل، دوم اینکه زن می‌تواند قله بلندی باشد از خردمندی و تدبیر این‌ها را عملاً زینب کبری^(س) نشان داد، نه فقط به آن عده‌ای که در کوفه و شام بودند، به تاریخ نشان داد، به همه بشر نشان داد.» (۱۴۰۰/۰۹/۲۱)

علمدار جهاد روایت

با بروز رسانه‌های قدرتمند، یکی از رسالت‌های مهم اهل حق، جهاد کردن برای رساندن روایت حقیقی به جامعه است. در این موضوع نیز، نقش زینب کبری^(س) یک نقش تاریخ‌ساز و تعیین‌کننده است. رهبر شهید انقلاب در این باره می‌فرمایند: «زینب کبری^(س) جهاد تبیین را، جهاد روایت را راه انداخت؛ نگذاشت و فرصت نداد که روایت دشمن از حادثه، غلبه پیدا کند. کاری کرد که روایت او بر افکار عمومی غلبه پیدا کند. حالا تا امروز روایت زینب کبری^(س) از حادثه عاشورا در تاریخ مانده. [اما] در همان زمان هم تأثیر گذاشت؛ در شام، در کوفه، در مجموعه سال‌های حکومت اموی و منتهی شد به ساقط شدن حکومت اموی. ببینید! این درس است؛ این همان حرفی است که بنده همیشه می‌گویم؛ شما روایت کنید قضاایک چند بعدی است؛ دانا و خبیر و دارای معرفت والا و یک انسان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند.» (۱۴۰۰/۰۹/۲۱)

خطبه‌ای که یک تحلیل عظیم از جامعه آن روز است

یکی از موضوعاتی که در زندگی حضرت زینب^(س)، پیش‌روی تحلیل‌گران قرار دارد، خطبه زینبیه و سخنرانی آتشین و ماندگار آن بانوی بزرگوار است که خیلی حرف‌ها برای ما دارد. رهبر شهیدمان در باب خطبه آن حضرت می‌فرماید: «خطبه فراموش‌نشدنی زینب کبری^(س) در بازار کوفه، یک حرف زدن معمولی نیست، اظهار نظر معمولی یک شخصیت بزرگ نیست؛ یک تحلیل عظیم از وضع جامعه اسلامی در آن دوره است که با زیباترین کلمات و با عمیق‌ترین و غنی‌ترین مفاهیم در آن شرایط، بیان شده است.» (۱۳۸۲/۰۲/۰۱)

دلیل این عظمت و عزت زینب کبری^(س) چه بود؟

تحلیل ابعاد وجودی شخصیت‌های بزرگ در تاریخ اسلام، مخصوصاً آنجا که ارتباط مستقیم با خانه وحی و اهل بیت^(ع) پیدا می‌کنند، کار بسیار سختی است و بسیاری از بزرگان ما به این موضوع مهم در بیانات خود اشاره کرده‌اند. اما رهبر شهید انقلاب، در افق یک رهبر الهی در تحلیل شخصیت عظیم زینب کبری^(س) می‌فرماید: «زینب کبری^(س) دارای شخصیت چند بعدی است؛ دانا و خبیر و دارای معرفت والا و یک انسان برجسته است که هرکس با آن بزرگوار مواجه می‌شود، در مقابل عظمت دانایی و روحی و معرفت او، احساس خضوع می‌کند.» (۱۳۸۲/۰۳/۲۵)

در جای دیگری ایشان به دلیل رسیدن این شخصیت بزرگ تاریخ اسلام به این روحیه تاریخ‌ساز، چنین اشاره می‌کنند: «یکی از عوامل مولد این روحیه و این صبر در زینب کبری^(س) و در دیگر اولیای الهی که این جور حرکت کردند، صدق است؛ صادقانه با پیمان خدای متعال برخورد کردن، دل را صادقانه به راه خدا سپردن، این خیلی مهم است.» (۱۳۹۲/۰۸/۲۹)

زن نگر دست خدا در آستین

اهمیت بررسی شخصیت و رسالت حضرت زینب^(س) آنجاست که این الگو نه تنها در عالم اسلام بلکه در تمام دنیا با هر تفکری، درخشان و الهام بخش است. آقای شهید ایران در همین باره می‌فرمایند: حضرت زینب کبری^(س) یک بانوی برجسته در تاریخ بشریت است، نه فقط تاریخ اسلام؛ واقعا این جور است. آن شخصیت مستحکم و قوی، آن انسان بزرگ، آن انسانی که "زن نگر دست خدا در آستین" آن چنان که او عمل می‌کند، کمتر انسانی - چه مرد، چه زن - می‌تواند با این قدرت، با این استحکام، وارد میدان‌های دشوار بشود.» (۱۳۹۸/۱۰/۱۱)

گاهی افراد ممکن است در مقام شناخت عظمت کار زینبی، در مقام مقایسه بر بیایند. رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، در باب این مقایسه می‌فرمایند: «عظمت کار زینب کبری^(س) را نمی‌شود در مقایسه با بقیه حوادث بزرگ تاریخ سنجید؛ باید آن را در مقایسه با خود حادثه عاشورا سنجید و انصافاً این دو عدل یکدیگرند.» (۱۳۹۲/۰۸/۲۹)

نقش خودتان را پیدا کنید

روز پرستار نامیده‌اند؛ این چه معنایی دارد و چه پیامی را می‌خواهد به زنان جامعه ما برساند؟ رهبر شهیدمان درباره این موضوع می‌فرمایند: «روز پرستار، سالروز ولادت محضر زینب^(س) است؛ این هشدار به زنان ماست؛ نقش خودتان را پیدا کنید! عظمت زن بودن را در آمیختن حجب و حیا و عفاف زنانه با عزت مسلمانانه و مؤمنانه، درک کنید!» (۱۳۸۷/۰۲/۰۱)

کار حضرت زینب^(س) نیز در واقع، در نهضت تاریخ‌ساز عاشورا، پرستاری بود اما فراتر از چیزی که ممکن است ما در ماجرای کربلا ببینیم، نکته‌ای است که در نگاه رهبر شهید درباره پرستاری زینب کبری^(س) آمده است؛ ایشان خطاب به پرستاران می‌فرمایند: «زینب کبری^(س) مثل شما پرستاران، دشوارترین کار را در صحنه عاشورا برعهده داشت؛ یعنی پرستاری از کودکان، درماندگان، زنان و بی‌پناهان.» (۱۳۸۲/۰۴/۰۳)

در جایی دیگر درباره این نقش مهم می‌فرمایند: «تلاش حضرت زینب^(س) فقط این نیست که از امام بیماری در کربلا حراست و پرستاری کرده است. حضرت زینب^(س) از روح کلی اسلام و جامعه آن روز مسلمین، پرستاری کرد؛ پرستاری بزرگ او آنجاست.» (۱۳۸۰/۰۵/۰۳)

حضرت زینب^(س) در جبهه مقاومت، رویاروی طاغوت

زینب^(س) را کرد. عمرو بن حرث گفت: ای امیر! این زن است و برگفتار زنان، مواخذه نباید کرد و بر خطای ایشان نکوهش نیست. ابن زیاد به زینب گفت: خداوند، دل مرا از سرکشان و نافرمانیان خاندان تو شفا بخشید، فرقت زینب و بکت و قالت له لعمری لقد قتلْتُ کَهْلَی و ابدت اهلی و قطعت فرعی و اجثثت اصلی فان یشفیک هذه فقد شفیت؛ پس زینب^(س) دلش شکست و گریست، آن‌گاه فرمود: به جان خودم سوگند! بزرگ ما را شهید کردی و خاندان مرا کشتی و شاه‌های خانواده مرا بریدی و ریشه ما را کندی؛ اگر این کار دل تو را شفا می‌بخشد، پس شفا یافتی. ابن زیاد گفت: این زنی است که به سجع و قافیه سخن می‌گوید و به جان خودم، همانا پدرش سخن به سجع می‌گفت و شاعر بود. زینب در پاسخ وی فرمود: ما للمرءة و السجاعة؟ ان لی عن السجاعة لشعلاً و لکن صدري نفت بما قلت؛ زن کجا و سجع جویی کجا؟ من در پی چیز دیگری هستم، این‌آه دل من است که بر زبانم جاری می‌شود.

سخنانی که از تحریف کربلا جلوگیری کرد

به متن سخنان زینب^(س) و رفتار ایشان دقت



عقلو هیئت علمی دانشکده فقه و حقوق شهید بهشتی

و قتلکم و اکذب اُحد و تنکیم؛ سیاس خدای را که شما را رسوا کرد و کشت و در آنچه شما آورده بودید، دروغتان را آشکار ساخت. زینب^(س) شجاعانه به عبدالله بن زیاد گفت: الحمد لله الذی اُکرمنا بنبیه محمد صلی الله علیه و آله و طهّرنا تطهیراً، إنما یفتضح الفاسق و یکذب الفاجر، و هو غیرنا الحمد لله؛ سیاس خدایی را که ما را به وسیله پیامبرش محمد^(ص) گرامی داشت و ما را به خوبی از پلیدی پاکیزه گردانید. این است و جز این نیست که فقط شخص فاسق، رسوا می‌شود و آدم تبهکار را دروغ می‌گوید و او غیر ماست الحمد لله!

این زیاد گفت: کیف رأیت فعل الله باهل بیت؟ کردار خداوند را نسبت به اهل بیت و خانواده‌ات چگونه دیدی؟ زینب^(س) فرمود: کتب الله علیهم القتل فبرزوا لی مضاجعهم، و سیجمع الله بینک و بینهم فتجاخون و تختصمون عنده؛ خداوند برای آنان شهادت و پیر بر کرده بود و آنان به جایگاه‌های خود رفتند و به زودی خداوند، تورا با ایشان یک‌جا گرد آورد و در پیشگاه خدا با تو مواجه و در نزد او با تو دشمنی خواهند کرد. ابن زیاد به خشم آمد و برافروخت و گویا قصد به شهادت رساندن

(۱) مصدق جری طبری تاریخ الامم و الملوک ج ۵، ص ۲۵۷؛ احمد بن محمد بن ائمه ج ۲، ص ۱۱۳؛ شیخ طبرسی اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۲۷؛ علامه مجلسی بحارالانوار ج ۲۵، ص ۱۱۱)

درنگ